

مسئله انرژی و منازعه اعراب و اسرائیل

نویسنده: جودت بهجت^(۱)

مترجم: محمود مقدس^(۲)

چکیده

انرژی به عنوان شاه‌رگ حیاتی اقتصاد و تولیدات اقتصادی، نقش ممتازی در تغذیه صنعت و تأمین رفاه شهروندان دارد. جودت بهجت از متخصصان بنام در حوزه انرژی و پژوهش‌های مربوط به نفت و گاز این سوال را طرح نموده است که اقتصاد اسرائیل، مایحتاج انرژی خود را چگونه تأمین کرده و می‌کند. نویسنده با توضیحات بعضاً سوگیرانه و با نقض حریم بیطرفی آکادمیک، به ذکر این نکته اساسی پرداخته است که اقتصاد اسرائیل بخاطر توسعه و پیشرفتی که دارد نمی‌تواند نسبت به تحولات مربوط به خطوط لوله، اکتشاف و پالایش نفت و گاز در منطقه بی‌تفاوت باشد. این مقاله در سال ۲۰۰۸ و تبعاً پیش از وقوع انقلاب عظیم مردمی در مصر و منطقه نگاشته شده و فرض نگارنده بر آن است که مصر همچنان به عنوان منبع تأمین نیازهای گازی و نفتی اسرائیل باقی خواهد ماند. در کنار این مبحث، مقاله حاضر به شرح پیشینه خطوط لوله ارسال نفت به اسرائیل از طریق ایران و عراق به اسرائیل پرداخته و آسیب‌پذیری‌های راهبردی اسرائیل مورد بحث و فحص قرار داده است. مهارت و سواد نویسنده مقاله و نیز کمبود منابع علمی در باب موقعیت انرژی اسرائیل، دو موضوعی هستند که مقاله را برای مخاطب ایرانی خواندنی می‌نماید.

واژگان کلیدی: نفت و گاز، خطوط لوله، منازعه اعراب - اسرائیل، صحرای سینا، صحرای نقب، جنگ ۱۹۶۷ مصر.

1. Source: Energy and Arab-Israel Conflict, Middle East Studies, Vol. 44, No. 6, November 2008.

۲. دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال دوازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۶۱-۱۷۵

اسرائیل با این که یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای منطقه خاورمیانه را در اختیار دارد اما همچون دیگر جوامع پیشرفته نیازمند منابع انرژی پایدار و ارزان برای حفظ استانداردهای بالای زندگی شهروندانش است. با این حال این کشور صاحب منابع انرژی اندکی است. به علاوه، خصومت و کشمکش طولانی مدت میان اسرائیل و همسایگان عرب آن به ایجاد محیط ژئوپلتیک طنزآمیزی انجامیده است. اسرائیلی که به لحاظ منابع انرژی بسیار فقیر است در جوار غنی‌ترین ذخایر انرژی جهان در خلیج فارس قرار گرفته است. منطقه خلیج فارس بیش از ۶۱ درصد ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد ذخایر شناخته شده گاز جهان را در اختیار دارد.

به لحاظ نظری همکاری‌ها در زمینه انرژی میان اسرائیل و تولیدکنندگان انرژی خلیج فارس می‌تواند برای هردو طرف سودمند باشد. کشورهای تولیدکننده نفت بازارهای صادراتی شان را متنوع خواهند نمود در حالی که اسرائیل از قبیل وارد کردن گاز طبیعی و نفت از کشورهای همسایه میلیون‌ها دلار صرفه‌جویی خواهد کرد. به علاوه، اسرائیل می‌تواند به منزله مسیر ترانزیت برای صادران هیدروکربن‌ها از خلیج فارس به اروپا و آمریکا عمل کند. نهایتاً اینکه همکاری‌های منطقه‌ای اقتصادی به منزله شرط لازم صلح پایدار تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، همکاری‌های اقتصادی به وابستگی متقابل میان طرف‌های رقیب و زمینه‌سازی برای یک صلح فراگیر و بلند مدت خواهد انجامید.

به‌رغم این نتایج نظری، همکاری‌های اندکی میان اسرائیل و همسایگانش در زمینه انرژی وجود دارد. اسرائیل بخش اعظم نفت خود را از روسیه، آذربایجان، دریای سیاه، آفریقای غربی و مکزیک وارد می‌کند. از اواخر دهه ۱۹۹۰ تل آویو و قاهره برای دستیابی به قراردادهای سودآور بر سر گاز طبیعی بر سر میز مذاکره نشسته‌اند.

مقاله حاضر چشم‌انداز انرژی اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. این مهم با تحلیل موضوع صادرات گاز طبیعی از مصر به اسرائیل ادامه می‌یابد. در آخر مقاله تلاش‌های کوتاه مدت برای ایجاد همکاری‌های انرژی میان اسرائیل و عراق (خط لوله موصل - حیفا) و اسرائیل و ایران (خط لوله Trans-Israel) مورد بحث قرار خواهد گرفت. مطالعه مزبور

خاطرنشان می‌کند که فقدان همکاری انرژی میان اسرائیل و همسایگانش بیشتر بنا به دلایل عملگریانه صورت می‌گیرد تا ایدئولوژی. نفت و گاز طبیعی می‌تواند در تقویت و تحکیم تلاش‌ها به منظور برپایی صلح در خاورمیانه ایفای نقش کند.

در ژانویه ۲۰۰۷ ذخایر تایید شده نفت اسرائیل بسیار اندک و گران و ذخایر گاز طبیعی آن ۱/۲۷۵ تریلیون فوت مکعب برآورد گردید. این منابع بسیار محدود هیدروکربن به معنای آن است که اسرائیل شدیداً به تهیه انرژی از خارج برای تامین نیازهای انرژی‌اش وابسته است. برای مقابله با این آسیب‌پذیری، اسرائیل همچون بسیاری از مصرف‌کنندگان انرژی سیاست انرژی چند لایه را دنبال کرده است. این سیاست شامل تشویق تولید داخلی، متنوع کردن منابع و اشکال انرژی و ایجاد ذخایر نفتی استراتژیک می‌شود.

۱۶۳

بنا بر گزارش وزارت محیط زیست اسرائیل، اقتصاد اسرائیل تقریباً به طور کامل به سوخت‌های فسیلی وارداتی، عمدتاً نفت خام و زغال سنگ متکی است. با این حال این ترکیب در معرض تغییرات عمده‌ای قرار دارد. اسرائیل به‌طور خاص استفاده از انرژی‌های جایگزین مانند منابع تجدیدپذیر و انرژی خورشیدی را افزایش داده است و یکی از بالاترین نرخ‌های گرمایش خورشیدی را در سطح جهان داراست که در حدود ۷۵ درصد خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به‌رغم تلاش‌های صورت گرفته برای تنوع بخشیدن به ترکیب انرژی، اسرائیل شدیداً به سوخت‌های فسیلی برای تامین نیازهای روزافزونش به انرژی وابسته است. زغال سنگ حدوداً یک سوم سوخت مصرفی کشور را که منحصراً در تولید انرژی الکتریکی مصرف می‌شود شامل می‌شود. تمامی زغال سنگ مصرفی از کشورهای دیگر (همچون آفریقای جنوبی، کلمبیا، استرالیا، اندونزی، لهستان چین، و سایر کشورها) وارد می‌شود.

تولید نفت اسرائیل نیز مانند زغال سنگ بسیار محدود است. تامین‌کنندگان خارجی بخش اعظم نیازهای کشور را تامین می‌کنند. در سالیان اخیر روسیه، حاشیه خزر و آفریقا به صورت مناطق عمده صادرکننده نفت به اسرائیل درآمده‌اند.

تلاش‌ها در کشف ذخایر نفت از سال ۱۹۴۷ (پیش از اعلان رسمی تشکیل دولت

اسرائیل) آغاز شده است. بررسی‌ها برای کشف نفت در سال ۱۹۴۷ در منطقه هلنز در مرکز اسرائیل آغاز شد و اولین کشف، (هلنز-۱) در سال ۱۹۵۵ تکمیل شد. از آن پس چند چاه کوچک در کوخاو، برر، اشدود و زوک تامرور یافتو یافت شد. جنگ ۱۹۶۷ نقطه عطفی در بخش نفت اسرائیل بود. پس از شکست مصر، اسرائیل شبه جزیره سینا را اشغال کرد و کنترل مناطق نفتی آن را به مدت یک دهه در اختیار گرفت. از این رو، تا سال ۱۹۷۱ اسرائیل ۴۳/۲ میلیون بشکه نفت تولید کرد که تقریباً نیازهای مصرفی داخلی را برطرف می‌کرد. به بیان روشن‌تر، در اوایل دهه ۱۹۷۰، اسرائیل در تولید نفت به علت حوزه‌های نفتی سودآور در صحرای سینا خودکفا بود.

این وضعیت خودکفایی دوام چندانی نداشت. در فردای جنگ ۱۹۷۳ و به دنبال مذاکرات طولانی و پیچیده با مصر، اسرائیل از صحرای سینا عقب‌نشینی کرد و کنترلش بر میادین نفتی را از دست داد. در اواسط دهه ۱۹۷۰ رژیم پهلوی تامین‌کننده نفت اسرائیل شد. این نقش از سوی ایرانی‌ها نیز چندان نپایید. در سال ۱۹۷۹ آیت‌الله خمینی (ره) انقلاب ایران را رهبری و شاه را سرنگون کرد. صادرات نفت ایران به اسرائیل متوقف شد. در سال ۱۹۷۸ اسرائیل با پیش‌بینی سقوط شاه، به مدت شش ماه از ذخایر نفتی خود استفاده کرد.

در اوایل دهه ۱۹۸۰ دولت اسرائیل بررسی‌های زمین‌شناختی جامعی را در سرتاسر کشور انجام داد. این مطالعات داده‌های مفصل و نقشه‌هایی جامع از همه کاوش‌های نفتی گذشته فراهم کرد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ برخی کشفیات نفتی پیرامون بحرالامیت و سواحل دریای مدیترانه صورت گرفته است.

در یک جمع‌بندی کلی، ویژگی‌های بخش نفتی اسرائیل را می‌توان این گونه تعریف کرد. نخست، تلاش‌های طولانی برای کشف نفت در سطحی گسترده موفقیت‌آمیز نبود. تا اواسط دهه ۲۰۰۰ تولید نفت اسرائیل کمتر از ۱۰۰۰ بشکه در روز بوده است. اسرائیل شدیداً به منابع نفت خارجی وابسته است. دوم، اسرائیل صاحب نهشت‌های عظیم نفت خام است. این منابع غیرمتعارف نفت تخته سنگ‌هایی است حاوی مواد آلی که از آن می‌توان

سوخت مایع به میزان ۱۷-۱۵ گالن نفت در هر تن نهشت استخراج کرد. نهشت‌های نفت تقریباً به طور کامل در سرتاسر جهان نادیده گرفته می‌شوند زیرا جداکردن سوخت از سنگ کاری بسیار دشوار است. با در نظر گرفتن کمبود ذخایر نفتی و آسیب‌پذیری اسرائیل در برابر قطع صدور نفت، اسرائیل می‌کوشد از این نهشت‌های نفتی استفاده کند. با این وجود، فرآوری نهشت‌های نفتی فرایندی آب بر است و کمبود آب اسرائیل چالشی برای توسعه این نهشت‌ها با مقیاس گسترده است.

سوم، اسرائیل صاحب دو پالایشگاه عمده است، یکی واقع در حیفا و دیگری در اشدود. مجموع تولیدات این دو پالایشگاه نیازهای محصولات نفتی تصفیه شده را تامین می‌کند. طی دهه‌ها این پالایشگاه‌ها تحت مالکیت و مدیریت شرکت دولتی Oil Refineries Limited قرار داشته است. برای بهبود کارایی و افزایش رقابت، از اواسط دهه ۲۰۰۰ هر دو پالایشگاه مزبور به بخش خصوصی واگذار گردید. چهارم، دولت اسرائیل نقش مسلطی در مالکیت، عملیات و تنظیم بخش انرژی بر عهده داشته است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ اقدامات محدودی برای خصوصی‌سازی این بخش انجام پذیرفته و از شرکت‌های خارجی برای کشف و توسعه ذخایر نفتی به خصوص ذخایر گاز طبیعی دعوت شده است. از اواسط دهه ۱۹۹۰ مقامات اسرائیلی توجه شدیدی به کشف و توسعه گاز طبیعی نشان داده‌اند. بنا بر گزارش وزارت زیرساخت‌های ملی، اسرائیل فعالانه در پی متنوع‌سازی منابع انرژی از طریق معرفی گاز طبیعی به عنوان سوخت اصلی، سازگار با محیط زیست و ارزان‌تر از دیگر اشکال انرژی است. همسو با این راهبرد، وزیر زیرساخت‌های ملی، بنیامین بن الیعاذر تایید نموده که دولت به فکر ساخت نخستین پایانه گاز طبیعی تصفیه شده است. وزارت زیرساخت‌های ملی طرح‌هایی برای ساخت و صدور مجوز سیستم توزیع گاز ملی است که قرار بود در سال ۲۰۱۰ کامل شود.

کاوش‌ها برای کشف ذخایر گاز طبیعی در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد. در سال ۱۹۵۸ میدان گازی زُهار پس از میادین کیدود (۱۹۶۰) و کاناییم (۱۹۶۱) کشف شد. موفقیت اصلی در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ به دست آمد، وقتی که حجم قابل توجهی

از گاز طبیعی در سواحل اسرائیل کشف شد به خصوص در دو میدان ماری و نوا با ذخایر ترکیبی نزدیک به ۱/۵ تریلیون فوت مکعب. این ذخایر عمدتاً توسط دو شرکت Yam Tetis Group و British Gap (GP) با همکاری کمپانی‌های بین‌المللی دیگر توسعه یافت. شرکت Natural Gas Authority که در سال ۲۰۰۲ تاسیس گردید هیات ناظر این صنعت است. مصرف‌کنندگان عمده آن نیز شرکت برق اسرائیل (IEC)، صنایعی سیمان و مواد شیمیایی است. به علاوه، گاز طبیعی به عنوان منبع یکی از سوخت‌های ارزان برای شیرین‌سازی آب محسوب می‌شود.

تخمین زده می‌شود این ذخایر گاز طبیعی برای تامین نیازهای اسرائیل برای چند سال کافی خواهد بود. به علاوه، حتی اکتشافات گاز طبیعی معتناهی در ساحل غزه صورت گرفته است. در نوامبر ۱۹۹۹ شرکت BG با یاسر عرفات، رئیس دولت خودگردان فلسطین، توافق نامه‌ای را امضا کرد که اجازه کاوش‌های اولیه را در خاک فلسطین می‌داد. زمان کوتاهی پس از این توافق شرکت BG کشف یک میدان نفتی بزرگ با نام Marine-۱ در آب‌های فلسطین را اعلام کرد (در حدود ۱۵ مایلی ساحل غزه). برآوردهای اولیه این بود که این ذخایر ساحلی غزه برای تامین نیازهای گاز طبیعی فلسطین و مقادیر اضافی برای صادرات کفایت خواهد کرد. از آن پس مقامات اسرائیلی و فلسطینی در مورد معاملات گاز طبیعی مذاکراتی انجام داده‌اند. با این حال فقدان اعتماد سیاسی این مذاکرات را پیچیده کرده است. اسرائیل به عنوان یک آلترناتیو موافقت نامه‌ای را برای واردات گاز از مصر امضا کرد.

مصر با ۶۸/۴۸ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی یک از بزرگ‌ترین منابع گاز طبیعی را پس از نیجریه و الجزایر در آفریقا داراست. از اوایل دهه ۱۹۹۰ کشفیات چشمگیر گاز طبیعی در مصر صورت گرفته است. کمپانی‌های نفتی خارجی در دلتای رود نیل، در صحرای غربی و سواحل شمالی آن منابع سرشاری یافته‌اند. در نتیجه، طی پنج سال اول قرن ۲۱ تولید گاز طبیعی، مصر ۱۵۰ درصد افزایش یافت.

این افزایش سریع تولید گاز با کاهش ثابت میزان تولید نفت کشور همراه بود. از

این رو، افزایش صادرات گاز طبیعی برای حفظ موازنه بین‌المللی پرداخت‌ها حیاتی بود. از اوایل دهه ۲۰۰۰ دولت مصر رویکردی جسورانه در جستجوی بازارهای صادراتی اتخاذ کرده با در نظر گرفتن کمبود منابع هیدروکربنی اسرائیل (تا کشفیات گاز طبیعی اخیر) و این حقیقت که مصر اولین کشور عربی بود که قرارداد صلح با دولت یهود امضا کرد (۱۹۷۹)، قاهره و تل‌آویو مذاکرات فشرده‌ای را برای صدور گاز طبیعی از مصر به اسرائیل آغاز کردند.

ملاحظات تجاری و راهبردی چندی این فرایند و نتیجه مذاکرات اسرائیل و فلسطین را شکل داده است. نخست، افزایش منابع گاز طبیعی تولیدکنندگان اسرائیلی را تشویق به لابی‌گری علیه خرید گاز از تولیدکنندگان خارجی، به خصوص اعراب کرده است. تولیدکنندگان اسرائیلی ادعا می‌کنند اگر جنگ دیگری در خاورمیانه روی دهد نمی‌توان به مصر برای تأمین گاز اعتماد کرد. دوم، به منظور اجتناب از کاهش سریع منابع گاز طبیعی، رهبران اسرائیل تصمیم گرفتند که نیازهای خود را از طریق تولیدکنندگان خارجی تأمین کنند. اسرائیلی‌ها بر آن شدند واردات گاز از مصر بر واردات از دولت خودگردان فلسطینی ارجحیت دارد به این خاطر که احتمالاً دولت خودگردان درآمدهای نفتی را صرف حملات تروریستی می‌کند.

علاوه بر این، خشونت‌ها میان اسرائیل و فلسطین و فرایند صلح به طور گسترده بر نتایج مذاکرات گاز طبیعی میان قاهره و تل‌آویو اثر گذاشته است. به بیان کلی افزایش خشونت‌های سیاسی مذاکرات را پیچیده ساخته و پیشرفت در فرایند صلح این مذاکرات را تسهیل نموده است. برخی اسرائیلی‌ها معتقدند که ایجاد وابستگی متقابل میان قاهره و تل‌آویو به تقویت «صلح سرد» شکننده میان دو کشور کمک خواهد کرد. به عبارت دیگر، تولید درآمد ارز خارجی مازاد برای مصر از محل صادرات گاز طبیعی به اسرائیل شاید «بعد مهم دیگری بر ترکیب مشوق‌های ارتقای روابط مصر - اسرائیل، اضافه کند». برخلاف این سابقه، در سال ۲۰۰۵ مصر و اسرائیل قراردادی ۱۵ ساله امضا کردند که طبق آن از سال ۲۰۰۸ مصر از طریق خط لوله زیر دریا از شهر شمالی العریش سالانه

۶۰ میلیون فوت مکعب گاز طبیعی به شهر بندری اشکلون در جنوب اسرائیل انتقال دهد. وزیر زیرساخت‌های ملی اسرائیل بنیامین با الیعاذر این توافقنامه را تاریخی خواند و دولت مصر نیز این توافق را بخشی از راهبرد متنوع‌سازی بازارهای صادراتی گاز کشور و افزایش صادرات عنوان کرد. کمپانی East Mediterranean Gas (کنسرسیومی متشکل از شرکت مصری General Petroleum, Merhav از اسرائیل و حسین سالم تاجر مصری) مسوول اجرای این قرارداد تعیین شدند.

این نتیجه موفق مذاکره اسرائیل و مصر در تاریخ طولانی تلاش‌ها برای ایجاد همکاری‌های انرژی میان تل آویو و همسایگانش جزء استثنائات است. دو تلاش کوتاه مدت منجر به شکست شد، یکی از این تلاش‌ها برای صادرات نفت عراق از طریق اسرائیل و دیگری صادرات گاز ایران به اسرائیل بود.

در دهه ۱۹۳۰، کوتاه زمانی پس از کشف نفت در عراق، بریتانیا خط لوله‌ای برای انتقال نفت عراق به غرب از راه اردن به فلسطین تحت قیمومت بریتانیا ساخت. پس از تشکیل کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و آغاز سریع نخستین جنگ اعراب و اسرائیل، خط لوله مزبور بسته شد و نفت عراق به بندر سوریه در بانیاس منتقل شد. از آن پس این خط بسته مانده و در حال ویرانی است - بخش عراقی خط لوله کاملاً زنگ زده و از کار افتاده و بخش اردنی آن به عنوان فلز قراضه فروخته شد.

در پی سرنگونی رژیم صدام حسین در ۲۰۰۳ مقامات اسرائیلی علاقه شدیدی نسبت به بازسازی خط لوله موصل - حیفا نشان داد. در ژوئن ۲۰۰۳ بنیامین نتانیا هو، وزیر وقت اسرائیل اظهار داشت که بازگشایی مجدد این خط لوله یک رویا نیست بلکه «به زمان بستگی دارد». یوسف پریتزکی وزیر زیرساخت‌های ملی وقت برآورد نمود که بازسازی خط لوله «می‌تواند هزینه‌های سوختی اسرائیل را تا بیش از ۲۵ درصد کاهش دهد». به علاوه، انتظار می‌رفت این خط لوله نیاز شدید عراق به درآمد را مرتفع کند و منابع سهل‌الوصول نفت برای آمریکا ایجاد کند. جای تعجب نیست که آمریکا از دولت اسرائیل خواست مطالعات ضروری برای برآورد تعمیرات و گسترش ۶۰۰ کیلومتر دیگر بر خط لوله انجام

دهد. مطالعه صورت گرفته از سوی وزارت زیرساخت‌های ملی اسرائیل حاکی از آن است که ساخت یک خط لوله با قطر ۴۲ اینچ میان موصل و حیفا حدوداً ۴۰۰/۰۰۰ دلار در هر کیلومتر هزینه در بردارد (قطر لوله‌های قبلی تنها ۸ اینچ بود).

به‌رغم این مزایای بالقوه خط لوله موصل - حیفا هرگز بازسازی نشد و احتمال ساخت آن در آینده نزدیک بسیار کم است. این پیش‌بینی برپایه ملاحظات اقتصادی و راهبردی چندی استوار است: نخست، نفت عراق در شمال از طریق خط لوله دوگانه کرکوک - جیحان (در ترکیه) صادر می‌شود. ظرفیت این خط لوله حدوداً ۱/۱ میلیون بشکه در روز است و خط لوله موازی دوم ظرفیت حداکثری ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز دارد. به‌رغم حملات مداوم به خط لوله از سوی شورشیان این خط همچنان بزرگ‌ترین مسیر انتقال نفت خام محسوب می‌شود. به لحاظ مالی و لجستیکی خط لوله حیفا - موصل شانس رقابت با خط لوله کرکوک - جیحان را ندارد. دوم، خط لوله کرکوک - بانیاس کاربردی است. در دهه ۲۰۰۰ تحت فشار سنگین بین‌المللی رژیم صدام حسین نفت را از طریق سوریه قاچاق می‌کرد. این نفت با قیمتی بسیار پایین فروخته می‌شد و به سوریه امکان صادرات نفت را می‌داد.

از سال ۲۰۰۳ ایران روابط نزدیکی با دولت‌هایی که پس از سقوط رژیم صدام حسین روی کار آمده‌اند برقرار کرده است. یکی از این حوزه‌های همکاری نزدیک میان دو همسایه بخش انرژی است. در سال ۲۰۰۵ ایران و عراق بر سر ساخت یک خط لوله از بصره به پالایشگاه آبادان در جنوب غربی ایران توافق کردند. به علاوه، ایران به عراق اجازه صدور نفت خام از طریق پایانه بندر خارک و واردات محصولات پالایش شده را از طریق بندر ماهشهر داد. عراق سه پایانه اعزام نفتکش در خلیج فارس با نام‌های مینا البکر، خور الامیه و خور الزوبی دارد. این پایانه‌های صادراتی در خلال جنگ ۸۸-۱۹۸۰ ایران - عراق، جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، جنگ ۲۰۰۳ و سال‌های تحریم به سختی آسیب دیدند. حاکمیت پس از صدام حسین در پی بازسازی این پایانه‌ها است. این بازسازی بسیار ارزان‌تر، سریع‌تر و آسان‌تر از بازسازی خط لوله موصل - حیفا است.

کوتاه سخن اینکه عراق آلترناتیوهای عملی چندی برای خط لوله موصل - حیفا

دارد. به علاوه، عادی‌سازی روابط با اسرائیل از اولویت‌های دولت عراق نیست. مقامات عراقی طرحی برای صادرات نفت از طریق اسرائیل در آینده نزدیک ندارند. ایران یک کشور غیر عرب مهم در منطقه خاورمیانه است. طی نیم قرن گذشته روابط میان ایران و اسرائیل، دیگر قدرت منطقه‌ای غیرعرب و مهم منطقه، تغییرات چشمگیری را شاهد بوده است. در حالی که رژیم پهلوی اسرائیل را به صورت دفاکتو به رسمیت شناخت و همکاری‌های اقتصادی و نظامی نزدیکی با آن برقرار نمود، ضدیت با اسرائیل به یکی از مواضع اصولی رهبران اسلامی کشور پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ بدل شده است. در مقابل، اسرائیل تهران را به عنوان دشمن اصلی خود و مهم‌ترین تهدید برای امنیت منطقه‌ای می‌داند. به‌رغم شائبه‌هایی در مورد انتقال تسلیحات و سایر مراودات پنهان و آشکار در دهه ۱۹۸۰، مشخصه روابط آن دو عدم اعتماد و خصومت دوجانبه پس از سقوط شاه ایران بوده است.

نفت حوزه‌ای مهم از همکاری میان تل‌آویو و تهران در دوران رژیم پهلوی بود. اسرائیل فاقد ذخایر نفت است اما ایران یکی از تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم نفت می‌باشد. بنابراین مدت کوتاهی پس از آنکه اسرائیل در ۱۹۴۸ تاسیس شد انتقال نفت از ایران به آن کشور آغاز شد. نفت به وسیله نفتکش‌هایی به ایلات بندر اسرائیلی واقع در دریای سیاه منتقل می‌شد. جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل و بسته شدن کانال سوئز همکاری انرژی میان دو کشور را افزایش داد. ایران قادر به انتقال نفت خود به اروپا از طریق کانال سوئز نبود و در عوض کشتی‌های نفتکش می‌بایست مسیری طولانی را برای دور زدن دماغه امیدنیک طی می‌کردند. در واکنش به این امر، ایرانی‌ها و اسرائیلی‌ها شرکت نفت مشترک Trans-Asiatic را با مسولیت انتقال نفت ایران به اروپا تاسیس کردند.

در سال ۱۹۶۸ شرکت مزبور خط لوله را به بئر شوا رساند و خط لوله بزرگ‌تری به نام خط لوله Trans-Israeli یا Tipline از ایلات به بندر اشکلون واقع در دریای مدیترانه احداث نمود. این خط لوله به منزله مسیری مهم برای نفت ایران به اسرائیل و اروپا عمل می‌کرد. شرکت خط لوله ایلات - اشکلون (EAPC)، یکی از شرکت‌های فرعی Trans-

Asiatic برای راه‌اندازی و مدیریت خطوط لوله و پایانه‌ها تاسیس شده بود.

این همکاری منفعت‌آمیز در سال ۱۹۷۹ با سقوط رژیم پهلوی خاتمه یافت. آیت‌الله خمینی (ره) به سرعت هرگونه همکاری با اسرائیل را ممنوع نمود. EAPC و خط لوله مزبور با همکاری شریک دیگری به کار خود ادامه داد. از زمان امضای پیمان صلح اسرائیل و مصر در سال ۱۹۷۹ نفت مصر به ایلات و از آنجا از طریق خط لوله مذکور به اشکلون منتقل می‌شود.

در سال ۲۰۰۳، EAPC کارهای لازم برای معکوس کردن جریان نفت خط لوله را ترتیب داد. هدف انتقال نفت در هر دو مسیر شمال ایلات به اشکلون و از جنوب اشکلون به ایلات بود. این گزینه دوم مسیری برای حمل نفت روسیه و دریای خزر از دریای سیاه از طریق مدیترانه و سپس از مسیر اسرائیل به ایلات فراهم می‌کند جایی که می‌توان نفت را از دریای سیاه به بازارهای آسیا منتقل نمود. افی میلوتین رییس بخش تجاری در EAPC در خصوص توسعه و گسترش این مسیر اظهار داشت: این مسیر نسبت به مسیر آفریقا ارتباطی بسیار کوتاه‌تر میان مدیترانه و آسیا برقرار می‌کند و امکان انتقال حجم‌های بزرگ‌تر از کانال سوئز را فراهم می‌آورد.

اخیرا تولیدکنندگان روسی و حاشیه دریای خزر در پی گزینه‌های دیگر برای صادرات نفت‌شان به بازارهای آسیایی غیر از مسیر اشکلون - ایلات هستند. پس از مذاکرات طولانی و پیچیده، پوتین رییس جمهور روسیه در سال ۲۰۰۴ اعلام کرد که روسیه تصمیم دارد خط لوله‌ای از شهر روسی تایشت به خلیج کوزمینو در جنوب شرقی ناخودکا با یک انشعاب فرعی به مرز چین احداث کند. خط لوله مزبور در دو مرحله ساخته خواهد شد. عملیات احداث خط لوله در سال ۲۰۰۶ آغاز شد و در سال ۲۰۰۸ به اتمام رسید. به همین ترتیب ساخت یک خط لوله از اتاسو در شمال غربی قزاقستان به آلتاوپاس در شمال غربی ناحیه سین کیانگ چین در دسامبر ۲۰۰۵ تکمیل شد.

اسرائیل از آذربایجان نیز نفت وارد می‌کند. در جولای ۲۰۰۶ اسرائیل قراردادی با شرکت نفت آذربایجان (SOCAR) برای واردات و انتقال نفت خام سبک از طریق خط

لوله اشکلون - ایلات امضا کرد. اسرائیل همچنین پیشنهاد اتصال خط لوله مزبور را به خط لوله باکو - تفلیس - جیحان ارائه نمود. ساخت خط لوله باکو - تفلیس - جیحان در می ۲۰۰۵ تکمیل و نخستین محموله در ژوئن ۲۰۰۶ تحویل شد.

نفت و گاز طبیعی نه تنها کالاهایی اقتصادی که کالاهایی استراتژیک هستند. تصمیمات بر سر تولید، مصرف و صدور براساس ملاحظات سیاسی اتخاذ می‌شوند تا علایق و منافع تجاری. اسرائیل که به لحاظ منابع انرژی کشوری فقیر است از وارد کردن منابع هیدروکربن از کشورهای همسایه‌اش در حاشیه خلیج فارس نفع فراوانی خواهد برد. در سال ۲۰۰۶ کشورهای حاشیه خلیج فارس ۲۸ میلیون بشکه یعنی حدوداً ۲۸ درصد نفت جهان را تولید و ۱۸/۲ میلیون برابر با یک پنجم تامین نفت جهان را صادر کردند. این تولیدکنندگان سعی در تامین تقاضا برای محصول اصلی‌شان یعنی نفت دارند و در پی متنوع نمودن بازارهای صادراتی و مسیرهای انتقال‌شان هستند.

به‌طور کلی، به نظر می‌رسد وابستگی متقابل انرژی یک بازی برد - برد است. به علاوه، وابستگی متقابل انرژی و فرایند صلح یکدیگر را تقویت می‌کنند. تعاملات تجاری بیشتر به اعتمادسازی و بهبود چشم‌اندازهای صلح کمک می‌کند. به‌رغم این منافع تجاری و استراتژیک ایجاد رابطه همکاری میان اسرائیل و همسایگانش در آینده نزدیک محتمل نیست. در مقابل، این مطالعه سه ویژگی همپوشان چشم‌انداز ژئوپلیتیک منطقه را خاطرنشان می‌کند: نخست، اسرائیل به لحاظ انرژی فقیر باقی خواهد ماند و وابستگی شدیدش به تامین انرژی از منابع خارجی در آینده نزدیک هم ادامه خواهد یافت. دوم، سیاست خارجی کلی کشورهای عربی تحت تاثیر فزاینده منافع ملی عملگرایانه قرار خواهد گرفت و کمتر از آرمان‌های ایدئولوژیک متاثر خواهد شد. به عبارت دیگر، فارغ از لفاظی‌ها، بعضی کشورهای عربی می‌توانند روابط خود با اسرائیل را عادی کنند به شرطی که معامله‌ای منصفانه را به اسرائیل پیشنهاد کنند. سوم، عادی‌سازی روابط با اسرائیل و ایجاد وابستگی متقابل انرژی به نحو گسترده‌ای به پیشرفت فرایند صلح اعراب و اسرائیل وابسته خواهد ماند.

1. British Petroleum, BP Statistical Review of World Energy (London: BP, 2007), pp.6, 22.
2. 'Worldwide Look at Reserves and Production', Oil and Gas Journal, Vol.104, No.47 (18 December 2006), pp.22–23, at p.22.
3. Ministry of Environment, Israel's Experience in Sustainable Energy, January 2006, available online at <http://www.unep.org/GC/GCSS-ix/Documents/Israel-energy3.pdf> (accessed 24 June 2007).
4. Ibid.
5. Energy Information Administration, Country Analysis Brief: Israel, April 2004, available online at <http://www.eia.doe.gov/cabs/israel.html> (accessed 8 April 2004).
6. S. Pierce, 'Pace Speeds up in Exploration for Triassic Targets in Israel', Oil and Gas Journal, Vol.102, No.25 (5 July 2004), pp.41–4, at p.41.
7. Zion Oil, Exploration History, available online at <http://www.zionoil.com/industry/exploration.html> (accessed 23 June 2007).
8. E.R. Rosen, 'The Effect of the Relinquished Sinai Resources on Israel's Energy Situation and Policies', Middle East Review, Vol.14, No.3–4 (Spring–Summer 1982), pp.5–12, at p.7.
9. F. Kessler, 'Planning Ahead: Anticipating Iranian Oil Cutoff, Israel Quietly Made Deals for Supplies from other Sources', Wall Street Journal, 9 February 1979, p.40.
10. Zion Oil, Exploration History.
11. Energy Information Administration, Country Analysis Brief: Israel.
12. Israel has approximately 600 million tons of oil shale. Most of these resources are located in the Rotem basin region of the northern Negev desert near the Dead Sea.
13. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Eastern Mediterranean, available online at: file://v:\PRJ\NewCABs\V6\East_Med\Full.html (accessed 4 October 2006).
14. D. Coxon and A. Greenfield, Israel's Energy: The Search for Alternate Energy Resources in a Small Country (Jerusalem: Israel Science Publishers, 1985), p.62.
15. In July 2006 the Ashdod refinery was sold to Israel's largest fuel retailer, Paz Oil Company. Shares in the Haifa refinery were sold on the Tel Aviv Stock Exchange in the same year.
16. Ministry of National Infrastructures, Natural Gas, available online at <http://www.mni.gov.il/mni/en-US/Energy/NaturalGas> (accessed 24 June 2007).
17. 'Israel Eyes Liquefied Natural Gas Tender to Diversify Energy Supply', Haaretz,

6 May 2007.

18. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Eastern Mediterranean.

19. Rosen, 'The Effect of the Relinquished Sinai Resources on Israel's Energy Situation and Policies', p.5.

20. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Israel.

21. Yam Tetis is a joint US–Israeli consortium developing natural gas fields off Israel's southern Mediterranean coast.

22. S. Even, 'Israeli Natural Gas: The Economic and Strategic Significance', Strategic Assessment, Vol.4, No.3 (November 2001), available online at <http://www.tau.ac.il/jcss/sa/v4n3p5Eve.html> (accessed 28 November 2001).

23. 'Gas and the Prospects for Middle East Peace', Energy Economist, No.226 (August 2000), pp.3–7, at p.4.

24. British Petroleum, BP Statistical Review of World Energy, p.22.

25. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Egypt, available online at [file:// V:PRJNewCABs\V6\Egypt\Full.html](file://V:PRJNewCABs\V6\Egypt\Full.html) (accessed 28 July 2006).

26. E. Groner, 'Israel Freezes Gas Talks with Egypt', Jerusalem Post, 2 March 2000.

27. A. Cohen, 'PM Decides Israel Will Purchase Natural Gas from Egypt, Not PA', Haaretz, 18 August 2003.

28. S. Feldman, 'Another Viewpoint', Strategic Assessment, Vol.4, No.3 (November 2001), available online at <file://c:\windows\TEMP\triJFAIJ.htm> (accessed 28 November 2001).

29. 'Egypt and Israel Sign 15-year Natural Gas Deal', International Herald Tribune, 1 July 2005.

30. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Israel.

31. 'Iraq Says Pipeline to Israel No Longer Exists', Haaretz, 24 June 2003.

32. D. Davis, 'Peace with Israel Said to Top New Iraq's Agenda', Jerusalem Post, 21 April 2003.

33. M. Gutman, 'Israel Studies Haifa-Mosul Pipeline', Jerusalem Post, 10 April 2003.

34. A. Cohen, 'U.S. Checking Possibility of Pumping Oil from Northern Iraq to Haifa, Via Jordan', Haaretz, 25 August 2003.

35. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Iraq, December 2005, available online at <http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/Iraq/Background.html> (accessed 29 December 2005).

36. Ibid.

37. Y. Melman, 'How Israel Lost to the Iranians', Washington Post, 6 December 2006.

38. More information is available on the company website at <http://www.eapc.co.il>.

39. Melman, 'How Israel Lost to the Iranians'.
40. J. Leff, 'Israeli Pipeline Ready to Go Russian', Moscow Times, 16 July 2003.
41. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Russia, April 2007, available online at <http://www.eia.doe.gov/cabs/Russia/Full.html> (accessed 25 April 2007).
42. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Caspian Sea, January 2007, available online at file://V:\PRJ\NewCABs\V6\Caspian\Full.html (accessed 3 January 2007).
43. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Eastern Mediterranean.
44. 'Kazakhstan Could be Israel's Best Option for Oil, Gas Supplies', Jerusalem Post, 28 May 2007.
45. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Caspian Sea.
46. Energy Information Administration, Country Analysis Briefs: Persian Gulf Fact Sheet, June 2007, available online at file://\fs-f1\16010\PRJ\NewCABs\V6\Persian_Gulf\Full.html (accessed 26 June 2007).
47. According to most Iranians and Arabs, a fair settlement with Israel would include the establishment of an independent Palestinian state with east Jerusalem as its capital, Israeli withdrawal from the Golan Heights, and a solution to the millions of Palestinian refugees.